

مسکن و محیط زیست

شماره ۱۳۲ ◆ زمستان ۸۹ ◆

طراحی روستایی ، مشارکت و توسعه پایدار

محسن حبیبی * / شیرین بارول / مریم خجسته / پریا نگهداری کیا **

۱۳۸۹/۰۴/۰۵

۱۳۸۹/۱۰/۰۹

تاریخ دریافت مقاله:

تاریخ پذیرش مقاله:

چکیده

شهری شدن کشور که نه تنها در ایران، که در مقیاس جهانی نیز در حال وقوع است سبب شده رفتارها و هنگارهای جدیدی در روستا پدید آید و به سبب این دگرگونی‌ها، نیازها و خواسته‌های جدید در ارتباط با سازمان کالبدی فضایی از سوی جامعه روستایی طلب شود. بازسازی مناطق جنگ زده و پس از آن روستاهای آسیب دیده از زلزله و سیل نشان داد که تا چه اندازه کاربست سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدامات آموخته شده در مدارس معماری و شهرسازی می‌تواند در تناقض و تباين با سازمان اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کالبدی روستا قرار گیرد. ولی این تجربیات گران سنگ هیچ گاه به جمع بندی روشنی برای برنامه‌ریزی و طراحی روستایی منجر نشده است.

بهسازی و نوسازی بافت‌های با ارزش روستایی و تعدادی محدود از بازسازی‌های موفق پس از سانحه نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی و طراحی روستایی جز از طریق تعامل و روابط متقابل با روستائیان، آنهم در مقیاس اجرایی حاصل نتواند شد. لازم است که از همان آغاز کار، روستا در چرخه تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، طراحی و اجرا حضور مستقیم و تعیین کننده داشته باشد. مقیاس روستا، مشارکت واقعی را در دستور کار قرار می‌دهد و بازخوانی سازمان فضایی و کالبدی روستا جز از طریق این مشارکت میسر نخواهد شد. استفاده از دانش بومی، بازآموزی و معاصرسازی این دانش، استفاده از مصالح بوم‌آور و بازتولید و معاصرسازی آن‌ها، بسیج نیروهای خفته روستایی و آموزش آنان برای کاربست مجدد دانش بومی در زمینه بازتولید سازمان فضایی و کالبدی روستا، شرط لازم برای تدوین مبانی طراحی روستایی است.

واژگان کلیدی: طراحی روستایی، مشارکت، بهسازی بافت، غنای بصری.

* استاد دانشکده شهرسازی دانشگاه تهران .

** دانشجویان کارشناسی شهرسازی دانشگاه تهران.

جمعیت بومی را هدف قرار می‌دهد و نه فقط گروهی خاص را.

۳. استفاده وسیع از مصالح بوم آورده با تأکید بر ارتقای کیفی و کمی آن‌ها، دسترسی به منابع تجدید پذیر و پایدار، یکی از پایه‌های اصلی مصالح بوم آورده است. شناخت مصالح بوم آورده و وجود دانش فنی و کاربریست آن‌ها در روستا از سویی و دسترسی سهل و آسان به آن‌ها از دیگر سوی، در همراهی با ارتقای کیفی و کمی آن‌ها سبب ساز توسعه کالبدی همگن با محیط و زیست بوم پیرامونی می‌گردد.



استان همدان، روستای ورکانه.



استان اصفهان، روستای ابیانه.

بازسازی و نوسازی روستایی از دهه شصت قرن بیستم میلادی در دستور کار قرار می‌گیرد. شهری شدن کشورها و سرعت شتابان آن در مقایس جهانی سبب شد که بحث توسعه همگن با محیط -که بعدها به عنوان توسعه پایدار بازتابی جهانی می‌یابد- پژوهشی دقیق پیدا کند. توسعه همگن با محیط به طور عمده و در بدو امر روستا را مدد نظر قرار می‌دهد و بحث اصلی خود را در "توسعه درون زا" متتمرکز می‌کند. در این میان دو پرسش مهم مطرح می‌شود. یکم، به دنبال چه هستیم؟ و دوم، چگونه بدان دست یابیم؟ برای پاسخ گویی به این دو پرسش سه راهکار در دستور کار قرار می‌گیرد:

۱. یافتن نقطه اتكایی در درون نظام روستایی برای تحریک و تشویق توسعه همگن با محیط، امری که علی الاصول خود را در بکارگیری منابع انسانی و بومی و دخیل کردن آن‌ها در امر توسعه تعریف می‌کند که بعدها با واژه "مشارکت واقعی" معرفی می‌شود، این امر یعنی پسیج نیروهای خفته و بالقوه بومی (اغلب انسانی) و تحریک آنان برای بروز افکنی استعدادها و قابلیت‌های پنهان خود به منظور دستیابی به خوداتکایی در همه ابعاد اجتماعی اقتصادی و فرهنگی.

۲. آموزش و تربیت نیروهای بومی برای دستیابی به تخصص‌های کارآمد و ظرفیت سازی، به معنای تقویت دانش و مهارت مردم بومی برای آنکه بتوانند امر توسعه را در محیط خود اجرایی نمایند، ظرفیتسازی کمک به تامین نیازهای بومی بر مبنای خدمات بومی است که به عنوان یک امر تدریجی پیچیده با هدف به روز کردن کالبد بومی و نیازها رخ می‌نماید. ظرفیتسازی را باید بهسان سرمایه گذاری انسانی تلقی کرد، امری که کل

مقیاس اجرایی حاصل نتواند شد. به دیگر سخن چرخه بازتولید فضایی و کالبدی روستا تنها در وضوح و روشنی مقاصد برنامه ریزی و طراحی برای جامعه روستایی فراهم می‌شود، یعنی لازم است که از همان آغاز، روستا در فراغشت تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، برنامه ریزی، طراحی و اجرا حضور مستقیم و تعیین کننده داشته باشد. مقیاس روستا، مشارکت واقعی را در دستور کار قرار می‌دهد، مشارکتی که می‌تواند به عنوان نقطه اتکا هرگونه اقدامی در بسیج و آموزش‌های نیروهای خفته و پنهان بومی مؤثر افتد و در ارتقای دانش بومی و کاربرد آن برای توسعه پایدار و همگن با محیط روستا تأثیر گذارد. بازخوانی سازمان فضایی - کالبدی روستا جز از طریق این مشارکت میسر نخواهد شد. استفاده از دانش بومی، بازآموزی و معاصرسازی این دانش، استفاده از مصالح بوم آورد، بازتولید و معاصرسازی آن‌ها، بسیج نیروهای خفته روستایی و آموزش‌های آنان برای کاربرد مجدد دانش بومی در زمینه بازتولید سازمان فضایی و کالبدی روستا، شرط لازم برای تدوین مبانی طراحی روستایی است و شرط کافی در عزم جدی برای ایجاد رشته‌های برنامه‌ریزی و طراحی روستایی در آموزش عالی کشور است. طراحی روستایی دیگر یک انتخاب نیست، بلکه ضرورت است.

مشارکت و توسعه پایدار روستایی

در دهه ۶۰ قرن بیستم میلادی برای بهره‌مند کردن روستائیان از مزایای توسعه، رویکردی منطقه‌ای با هدف کاهش فقر و بهبود شرایط محیطی به صورت میان بخشی در پروژه‌های بازسازی و توانبخشی روستایی پیش گرفته شد. اما ضعف اساسی تجارت پیشین در این حوزه ناشی از عدم مشارکت افراد بومی و ناتوانی در امر ظرفیت‌سازی بود و این ضعف نهادهای اجرایی را از

بازسازی و نوسازی روستاهای کشور که در قبل از انقلاب با نگاه به مطالب فوق در منطقه الشتر لرستان و منطقه خرم رود همدان به گونه‌ای آزمایشی در دستور کار قرار داشت، در بعد از انقلاب ۱۳۵۷ و با تشکیل بنیاد انقلاب اسلامی در دستور کار قرار می‌گیرد. بازسازی مناطق جنگ زده و پس از آن روستاهای آسیب دیده از زلزله و سیل سبب می‌شود تا دستاوردهای بزرگی از این اقدامات فراهم آید. اقداماتی که بی‌تردید با آزمون و خطاهای بسیار همراه بوده و خواهد بود. این تجربیات بستری جدی فراهم آورده تا بتوان بازسازی و نوسازی روستاهای با ارزش کشور از نظر میراث فرهنگی را سازمان داد و راهی نو در مقابل معماری و شهرسازی کشور گشود.

آموزه‌های دانشگاهی در زمینه‌های برنامه‌ریزی و طراحی با تکیه عملده بر شهری شدن کشور و با سابقه طولانی خود عملاً از آموزش برنامه‌ریزی و طراحی روستایی غافل بوده است و بازسازی و نوسازی مناطق سانحه دیده - انسان ساخت و یا طبیعی - نشان می‌دهد که تا چه اندازه کاربست سیاست‌ها و برنامه‌ها و اقدامات آموخته شده در مدارس معماري و شهرسازی می‌تواند در تباین با سازمان اجتماعی، اقتصادی و کالبدی - فرهنگی روستا قرار گیرد و در تضاد با توسعه همگن با محیط یا توسعه پایدار روستایی واقع شود.

بی‌تردید شهری شدن کشور سبب شده است تا هنجارها و رفتارهای جدیدی در روستا پدید آید و نیازها و خواسته‌های جدیدی مطرح شود و سازمان کالبدی فضایی دگرگونه‌ای از سوی روستائیان طلب گردد. بهسازی و نوسازی بافت‌های با ارزش روستایی و تعدادی محدود از بازسازی‌های موفق پس از سانحه نشان می‌دهد که برنامه ریزی و طراحی روستایی جز از طریق تعامل و روابط متقابل با روستائیان آن هم در

پاسخگویی به نیازهای مردم باز می‌داشت (South Africa Government, ۲۰۰۰).

در حقیقت توسعه پایدار بربنای درک عمیق از حقوق مردم، نقش اکوسیستم و منابع طبیعی بومی شکل می‌گیرد. اساس توسعه پایدار بر بنای مشارکت دادن مردم در تمامی مراحل تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اجرا، شکل می‌یابد. این برنامه‌ها از نیروی حرفه‌ای برای بهبود شرایط و مشکلات بومی برای دست‌یابی به نتایج بهتر و ضمانت بلند مدت آن بهره می‌گیرد.

برنامه‌های مطلوب با رویکرد توسعه پایدار دارای خصوصیات زیر می‌باشند :

- بربنای منابع محلی و قابل تجدید شکل می‌گیرد.
- پروژه به صورت کوچک مقیاس آغاز می‌شود، تا انعطاف‌پذیری و مقاومت آن در برابر شکست های فنی و اجتماعی قابل جبران باشد.
- حفاظت و استفاده از ارزش‌ها و دانش بومی در مراحل تصمیم سازی

● پایداری و بهره‌وری بلند مدت از منابع طبیعی هدف عالی طرح‌های توسعه روستایی

- توسعه نیروها و دانش بومی برای ارتقای شرایط فرد و اجتماع از اهداف اساسی طرح‌های توسعه روستایی است.

● مهم‌ترین ویژگی پروژه‌های توسعه پایدار ارزش قائل شده برای بهره‌وری از زیست بوم است. که هدف آن استفاده پایدار از منابع محلی و خودداری از تخریب آن به دنبال بهره‌برداری‌های کوتاه مدت است.

● آخرین و مهم‌ترین ویژگی طرح‌های توسعه روستایی مردم محور بودن آنها است. چنین برنامه‌هایی باید شرایط مناسب را برای ارزش‌های سنتی، اجتماعی و فرهنگی و بومی داشته باشد.

(Satendra & Sharma, ۲۰۰۴, ۱۲۴۱۲۳-)

مفهوم مشارکت محلی به یک دغدغه جهانی برای نظریه پردازان و متخصصان توسعه روستایی تبدیل شده است. در حقیقت مشارکت به عنوان ابزاری کارامد برای رشد و توسعه در نظر گرفته می‌شود. این جریان بر پایه دو نظریه بنا شده است : از طرفی ارزش‌های مردم‌سالاری، ضرورت مشارکت مردم در توسعه سیاست‌ها و برنامه‌ها را ضروری می‌داند و از طرف دیگر حضور مردم در مراحل تصمیم‌سازی برنامه‌های توسعه، عامل تضمین‌کننده آن‌ها در مراحل آتی طرح است (Seetharam, ۱۹۹۰).

بازخوانی سازمان فضایی و کالبدی روستا جز از طریق مشارکت میسر نخواهد شد. افزایش توجه در به کارگیری رویکرد مشارکتی در طرح‌های توسعه روستایی از طریق جریان‌های جدیدی که تمایل به تغییر رویه از فرایندهای برون سر^۱ به درون سر^۲ دارند، قابل مشاهده است. به دنبال این امر ساختار غالب فرایند توسعه که تا این زمان رویکردی از بالا به پایین^۳ را دنبال می‌کرد، با جریانی از پایین به بالا^۴ که بر قلمرو^۵، تنوع^۶ و به کارگیری حداکثر نیروها و منابع محلی^۷ تاکید دارد جایگزین می‌شود. (Lowet et.al. ۱۹۹۹)

در میان شمار رایجی از روش‌های مختلف مداخله با هدف توسعه پایدار روستایی، "مشارکت" به عنوان دستورالعمل اصلی شناخته شده است. در تمامی بحث‌ها و گفتمان‌هایی که پیرامون مبحث توسعه پایدار روستایی صورت می‌گیرد، مشارکت به عنوان یک روش اصلی برای اجرای برنامه‌های توسعه به شمار می‌آید. همین امر سبب شده است تا طیف وسیعی از انواع روش‌های مشارکتی و فنون آن برای هرچه بیشتر عملی کردن طرح‌ها ارائه شود. به طور مثال پرتوی^۸ (۱۹۹۴) در کتاب خود تحت عنوان "روش‌های جدید برای تحقیق پیرامون کشاورزی پایدار"، انواع مختلفی از مشارکت را

مشارکت به عنوان یک راهبرد، توسعه یابد و نهادینه شود. برای کاربست این راهبرد در ابتدا باید اطلاعاتی همانند ساختار اقتصادی، سیاسی و فرهنگی منطقه مورد نظر، و همچنین اطلاعاتی پیرامون منابع موجود و مهارت‌ها گردآوری شود تا بتوان امر مشارکت را توسعه داد. به دلیل آنکه مشارکت باید بر اساس منابع در دسترس و سنت‌های موجود باشد، ضرورت به کارگیری مناسب نیروهای انسانی مانند گروه‌های خودجوش و سازمان‌های عمومی پیوسته رو به افزایش است، در نتیجه توصیه می‌گردد تا میزان پاسخگویی مثبت مردم محلی برای دعوت به امر مشارکت، میزان امکان بالقوه مشارکت فردی و میزان آمادگی کل جمعیت برای پذیرفتن مسئولیت پیش‌بینی گردد تا طرح‌ها از موفقیت بیشتری برخوردار گردند (UNDP, 2002, 55).

میزان موفقیت و کارامدی امر مشارکت از طریق خروجی‌های برنامه قابل بررسی می‌باشد. با توجه به اینکه در مواردی که هدف نهایی قدرت بخشیدن به نیروهای محلی برای امر مشارکت و ظرفیت سازی باشد، امر مشارکت خود می‌تواند به عنوان یک خروجی، سرانجام و نتیجه تلقی شود.

جامعه روستایی به دلیل دور ماندن از توسعه پایدار و همگن با محیط فرصت آشنایی با نقاط قوت خود را پیدا نکرده است. مشارکت در امر توسعه فرصتی برای بهره‌وری مساوی و شرکت فعال تمامی گروه‌های ذینفع در شکل‌دهی به سیاست‌ها و راهبردهای توسعه و در طراحی، برنامه‌ریزی، اجرایی کردن، بازخوانی و ارزیابی آن‌ها است. برای اجرایی نمودن منصفانه روند توسعه ضروری است که اقشار فروdest گروه‌های ذینفع را، در چرخه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری سهیم کرده و با ارتقای سطح اطلاعات آنان و چگونگی تأثیر و نظارت آنان بر محیط پیرامون خود، امکان حضور مؤثر آنان برای

طبقه‌بندی کرده است؛ "مشارکت انفعالی"^۹، "مشارکت در دادن اطلاعات"^{۱۰}، "مشارکت از طریق مشورت دادن"^{۱۱}، "مشارکت عملکردی"^{۱۲}، "مشارکت تعاملی"^{۱۳} و "بسیج نیروها خودجوش"^{۱۴}. طبقه‌بندی‌هایی که در بالا ذکر شد غالباً بر اساس دو امر شکل گرفته‌اند: (الف) توزیع مناسب اختیارات تصمیم‌گیری مابین مشارکت کنندگان و مداخله گران (ب) مشارکت در تمامی ابعاد برنامه‌های توسعه مانند تحلیل وضع موجود، شناسایی مشکلات، تعیین اهداف و در آخر اجرای طرح‌ها. نویسنده‌گان دیگری (Biggs, 1989) و (Paul, 1986) نیز "میزان درگیر شدن افراد محلی را در مراحل تصمیم‌گیری" به عنوان یک معیار برای دسته‌بندی انواع مختلف مشارکت شناسایی کرده‌اند. (Leeuwis, 2000, 931-935)

مشارکت کلید اصلی دست یابی به نیروهای محلی و به کارگیری آنان برای هرگونه اقدام توسعه‌ای است. زیرا این نیروها می‌توانند بازده و تأثیر برنامه و طرح را دچار دگرگونی‌های شگرف کنند. شناخت صحیح و واقعی نیازهای معاصر روستا و انطباق آن‌ها با شرایط بومی از اساسی ترین شاخص‌هایی است که با مشارکت واقعی روستا بهتر تأمین می‌شوند، البته با آموزش و ارتقای کیفی و کمی نیروهای بومی و آنان که به عنوان نیروی متخصص و غیربومی به کار گرفته می‌شود. هر چقدر ابعاد مشارکت بیشتر و بزرگتر باشد، حس همبستگی در جامعه روستایی بیشتر می‌شود. هنگامی که سنت‌های غنی مانند "همبستگی، همکاری و همیاری" در یک جامعه روستایی وجود دارد، می‌توان با دادن آگاهی و دانش روز به روستائیان، حس تعلق آن‌ها را در باز تولید روستا به کار گرفت (UNDP, 2005, 55).

برای پیوند اقدامات دولتی با اقدامات محلی و همچنین تسهیل تعامل و تعاون، ضروری است تا

تعییرات محیطی را فراهم آورد (Lowe et al. 1999:14). ۱۵. مناطق روستایی از محدودیت‌های ظرفیتی رنج می‌برند، که دلیل آن کمبود و نبود مهارت‌های لازم و کافی است. پس، باید از راهبرد مجازی برای توسعه متابع انسانی استفاده کرد تا مهارت‌های پایه را در مناطق روستایی بسط داد. تأکید اصلی طرح‌های توسعه بر روی بخش‌های اجتماعی و نهادی آن است. در واقع این همان چیزی است که به عنوان "سرمایه اجتماعی"^{۱۵} بازشناخته می‌شود. با وجود اینکه تعاریف بسیاری برای "سرمایه اجتماعی" وجود دارند، ولی تعریف آن با "خصوصیات سازمان اجتماعی، مانند اعتماد، هنجارها، و شبکه‌ها، که می‌توانند بهره‌وری اجتماعی را به وسیله تسهیل کردن اقدامات هماهنگ افزایش دهند" شناخته می‌شود. همچنین سرمایه اجتماعی می‌تواند همانند مفصلی عمل کند که اعضای یک جامعه را به هم پیوند می‌دهد، یا به عبارت دیگر، می‌تواند مانند یک روان‌کننده کنش‌ها و ارتباطات بین مردمی که برای رسیدن به هدفی واحد فعالیت می‌کنند، تعریف شود. سرمایه اجتماعی با آسان کردن و روان ساختن همکاری بین مردم سبب می‌شود جامعه به اهدافی بررسد که در صورت عدم وجود چنین همیاری و همبستگی ممکن نبود (South Africa Government, 2000:32-34).

در جریان اجرای طرح‌های مشارکتی باید امکان ادامه فرایندهای توسعه با مراقبت و نظارت و مسئولیت نیروهای بومی را مد نظر داشت. به عبارت دیگر نیروهای بومی از طریق آشنایی با قوتهای خویش و به روز کردن آن‌ها می‌آموزند تا چگونه در شرایط مشابه به صورت خوداتکا وارد عمل شوند. اگر در بازتولید یک روستا شرایط برای بسیج نیروهای مردمی و مشارکت آن‌ها در امر توسعه وجود داشته باشد، می‌توان آن بازتولید را سودآور و پربهره نامید. این امر به معنی دادن قدرت به

دست مردم است تا آن‌ها فرصتی برای بدست آوردن تجربه و دانش، پیدا کردن گزینه‌ها و انتخاب بهترین آن‌ها داشته باشند. دادن این فرصت به اهالی روستا مجهز کردن آن‌ها برای اقدامات بعدی است که ممکن است در روستا رخ دهد (UNDP, 2005, 54).

استفاده از دانش بومی، بازآموزی و معاصرسازی این دانش، استفاده از مصالح بوم‌آورد و بازتولید و معاصرسازی آن‌ها، بسیج نیروهای خفته روستایی، آموزش آنان از طریق مشارکت این نیروها برای کاربست مجدد دانش بومی در زمینه بازتولید سازمان فضایی و کالبدی روستا شرط لازم برای تدوین مبانی طراحی روستایی است. روستایی با ارائه دانش خود به مجری طرح باعث می‌شود محصول همسو با بافت بومی شود. مجری طرح نیز با ارتقای دانش بومی و مجهر کردن آن به دانش روز، این دانش را به روستائیان باز پس می‌دهد و بدین ترتیب جریان دوسویه آموزش بین بومیان و متخصصان ایجاد می‌شود. یکی از مسائل اساسی در جریان اجرایی کردن اندیشه مشارکت، توجه به امر ظرفیتسازی^{۱۶} است.

ظرفیتسازی به معنای تقویت دانش و مهارت‌های مردم بومی به منظور حضور و تحقق یافتن امر توسعه در محیط زندگی روستایی است. به همین دلیل از اساسی‌ترین شرایط توجه به این امر همزیستی گروه‌های حرفاًی و غیربومی در محیط است. ظرفیتسازی کمک به تأمین نیازهای بومی بر مبنای خدمات بومی است، که به عنوان یک امر تدریجی و پیچیده با هدف به روز کردن کالبد بومی و نیازهای مردم مدد نظر قرار می‌گیرد. ظرفیتسازی را باید به مثابه نوعی از سرمایه‌گذاری دانست. هدف این امر ظرفیتسازی کل جمعیت بومی است نه فقط گروه خاصی از ساکنان. ارتقای این امر از طریق بهبود بخشیدن به مهارت‌های بومی، تقویت اشکال

طراحی روستایی و توسعه پایدار

جدیدی از سازماندهی، کمک به شکل‌گیری اشکال جدیدی از روابط میان گروه‌های ذینفع و ذی‌نفوذ در طرح و ایجاد شرایطی برای افراد و سازمان‌های مشارکت‌کننده برای انعطاف و انتباط با شرایط در حال تغییر است (Lowe. Et al. 1999.20¹⁸ و شوک اسمیت¹⁹ (1997) ظرفیت‌سازی و ایجاد مشارکت انسانی را بدین صورت تعریف می‌کنند: "یک فرآیند تدریجی و پیچیده با هدف ارتقا کالبدی و منابع انسانی محلی" - به عبارت دیگر، نوعی سرمایه‌گذاری. از نظر آن‌ها، این مفاهیم به ظرفیت تمامی افراد محلی باز می‌گردد تا بتواند عاملی برای توسعه درونزا شود و می‌تواند از طریق افزایش مهارت‌ها، تشویق برای ایجاد اشکال جدیدی از سازماندهی محلی، و نیز ایجاد انعطاف بیشتر در مردم و سازمان‌های محلی برای سازگاری با شرایط در حال تغییر، تقویت شود (همان، ۱۹). به گفته مانیون¹⁹ برای اطمینان از وقوع مشارکت مردم و نیز توسعه درونزا باید دو عامل را در نظر گرفت:

۱. میزان توانایی و مهارت مردم محلی در توسعه مناطق روستایی خود؛

۲. فرصت‌هایی که به آنان داده می‌شود تا بتوانند نقش مؤثری در توسعه ایفا کنند. (همان، ۱۶)

ابعاد پایه زندگی روستایی اعم از اندازه کوچک جامعه روستایی، تراکم پایین فعالیت‌ها و امکانات آن، ظرفیت تعريف شده منابع انسانی و مالی آن، شبکه‌ها و روابط قوی اجتماعی و تدریجی بودن تغییرات آن، باید به طور جدی مورد احترام قرار بگیرند. این ابعاد باعث ایجاد نوع و شکل خاصی از نیازها در هر جامعه بومی شده و بدیهی ترین مکان برای تأمین مناسب این نیازها بی‌شک همان جامعه بومی است.

طراحی همگن با محیط در وجه کالبدی-فضایی خود نیز چاره‌ای جز تبعیت از چارچوب‌ها و شرایط توسعه پایدار ندارد، به همان اندازه که برنامه‌ریزی روستایی مجبور به تبعیت از شرایط زیست محیطی برای توسعه پایدار روستا است، به همان اندازه نیز طراحی روستایی مجبور به انطباق با اصول و شرایط زیست بوم است. تجربه‌های اندوخته شده، چه در مقیاس جهانی و چه در مقیاس کشور - تجربه‌های گران‌سنگ بنیاد مسکن انقلاب اسلامی - به صراحة و وضوح اصول پایه طراحی روستایی را پیش روی می‌گذارند. اصولی که تدوین، بازخوانی و بازآموزی آن‌ها می‌توانند در ارتقای کمی و کیفی دانش بومی مؤثر افتد و به سهولت از سوی روستاییان کاربست یابند. اصولی بدین شرح:

۱. سازمندی (Organicity) : سازمان فضایی کالبدی روستا علی‌الاصول همساز با محیط است. محیط در این سازمان فضایی همه آنچه را که در پیرامون زندگی روستایی وجود و حضور دارد، در خود می‌گیرد. محیط فرهنگی (سیستم‌های زیست و تولید)، محیط طبیعی (زیست بوم)، محیط انسان ساخت (محیط انسانی کالبدی-فضایی)، محیط اجتماعی (معیشت و زیست و بوم اقتصادی)، محیط اجتماعی (کنش‌های چند سویه با شهر و پدیده شهری شدن)، محیط سیاسی (سلسله مراتب اجتماعی و هرم قدرت)، این سازمندی علی‌رغم سادگی و صراحة بیان در همسازی چند سویه با محیط‌های چندگانه است.

۲. رشد تدریجی (Gradual Growth) : سازمان فضایی کالبدی روستا، رشدی آرام، تدریجی و یاخته‌ای دارد، استخوان‌بندی کالبدی فضایی روستا به تدریج تکامل می‌یابد و این تکامل هماهنگ با گسترش و بزرگ شدن روستا است. این رشد آنچنان آرام صورت می‌گیرد که در نظری سریع و آنی به نظر ایستا می‌رسد. این رشد

مانند هر پدیده سازمند دیگری در همه اندامهای فضایی کالبدی روستا صورت می‌پذیرد.

۳. هماهنگی و سازگاری (Rhythm and Harmony): عملکرد و فعالیت‌های روستایی، علی‌رغم محدود بودن، دارای پیچیدگی‌های بسیاری برای در هم آمیختن است. سازمان فضایی کالبدی روستا، به گونه‌ای غریزی این سازگاری را به وجود آورده است. این سازمان مانند سازواره‌ای زنده فعالیت‌ها و عملکردهای متفاوت خود را هماهنگ کرده و آن‌ها را در سازگاری با هم قرار می‌دهد. فعالیت‌ها و عملکردها آنچنان در هم آمیخته می‌شوند که حاصل آن معماری روستایی پیچیده‌ای است که احجام در هم فرو رفته آن با محیط طبیعی و مصنوع خود در سازگاری کامل قرار می‌گیرند.



استان فارس، روستای قلات.



استان آذربایجان شرقی، روستای اشتبین.



استان مازندران، روستای کندلوس.



استان گلستان، روستای زیارت.



استان همدان، روستای ورکانه.

۷. مقیاس انسانی (Human Scale): در روستا همه ابعاد در مقیاس انسانی و طبیعی تعریف می‌شوند و استخوان‌بندی روستا در ارتباط با همین مقیاس تعریف می‌یابد و هم از این سبب است که همه فضاهای خصوصی، نیمه خصوصی، نیمه عمومی و عمومی روستا با این مقیاس ساخته و پرداخته می‌شوند، کاربرست این مقیاس به صورتی کاملاً غریزی صورت می‌پذیرد و فضای روستا را به عنوان بخشی تفکیک ناپذیر از محیط طبیعی و انسان ساخت پیرامونی قرار می‌دهد.

۶. تنوع (Variety): روستا به عنوان بازتابی دارد روابط انسان و طبیعت، همچون طبیعت مملو از تنوع و تفاوت است. علی‌رغم آنکه سازمان فضایی روستا به ظاهر، در نخستین نظر ساده و تکرار حجم‌های یکسان است ولی با کاوش در همین ظاهر ساده می‌توان به تفاوت و تنوعی بسیار دست یافت که از ذره فضای تا کلان فضای روستا را در خود می‌گیرد. در سازمان فضایی کالبدی روستا نمی‌توان دو فضای مشابه یافت، همانگونه که دو گل و یا دو گیاه مشابه دست نیافتنی است.



استان اصفهان، روستای ایانه.



استان یزد، روستای ذهرج.

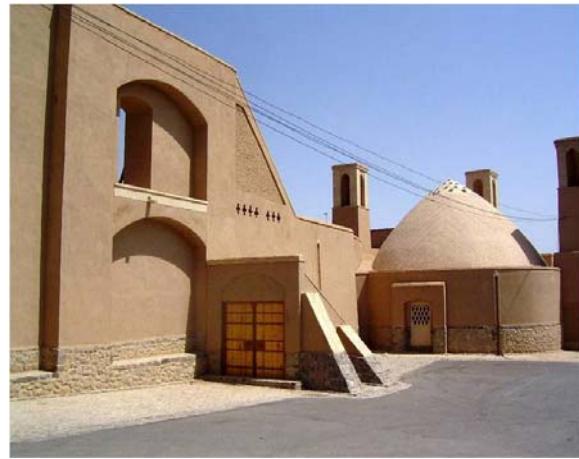


استان یزد، روستای اسلامیه.



استان فارس، روستای قلات.

۹. بودن و زیستن (To be and To exist): روستا به خودی خود جهانی کامل است در ارتباط با کل جهان، هستی یگانه‌ای است در ارتباط با هستی جهان، روستا در عین پیوند چندین سویه با محیط پیرامونی خویش، فضایی است منفک از جهان. مکانی برای بودن در آرامش و آرامش در بودن و زیستن. سکونت یافتن در روستا، بودن را تداعی می‌کند و ذهنی آرامش یافته را سبب می‌گردد. ذهنی به دور از هیاهو و غوغای نیمی در این سوی و نیمی در آن سوی.



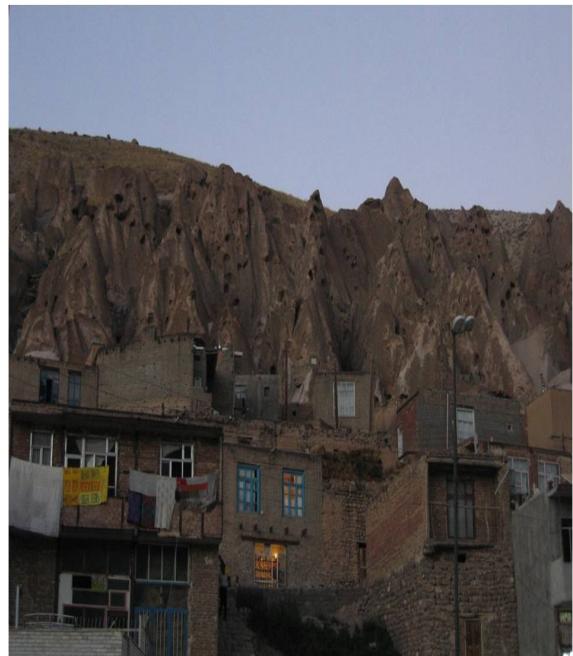
استان یزد، روستای عقدا.



استان یزد، روستای اسلامیه.



استان هرمزگان، روستای لافت.



استان آذربایجان شرقی، روستای کندوان.

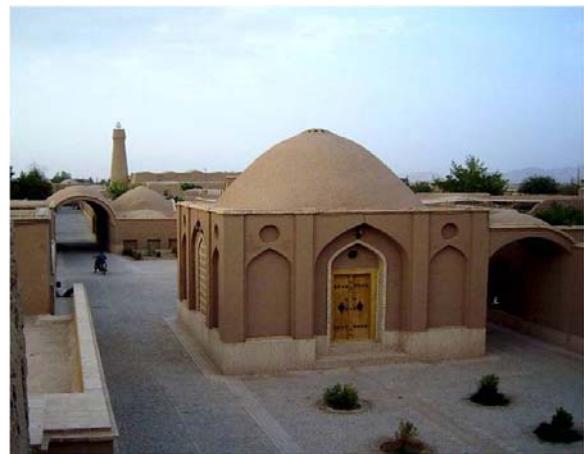


استان مازندران، روستای کندلوس.

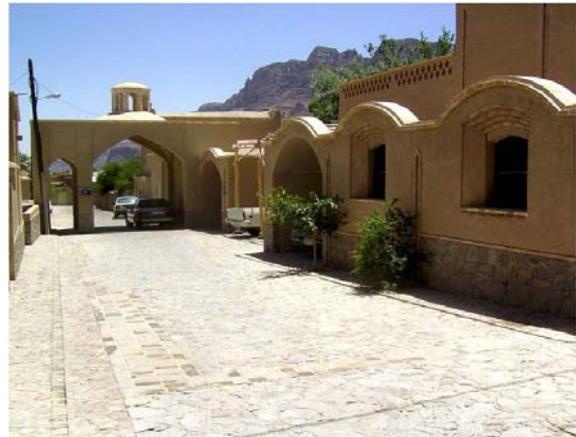
۱۰. قلمرو (Domain): سازمان فضایی کالبدی روستا به سبب غریزی و طبیعی بودن خود، قلمرویی مشخص با محیط پیرامونی خود را تعیین کرده، مرزی روشن را بیان می کند و سرزمینی خاص خود را تدارک می بیند، محدوده ای متباین و متفاوت از پیرامون خود. این اصل خود را در کوچکترین فضای روستا نیز باز تولید می کند. هر قلمرویی را آدابی است و حرمتی و این علی رغم در هم آمیختگی فرم، فضا و فعالیت روستایی است.

۱۱. خوانایی (Legibility): سادگی همیشه خوانایی را با خود دارد. سازمان فضایی کالبدی روستا خود را به سادگی و با وضوح کامل بیان می کند، هیچ چیز پنهانی را در خود ندارد، همه فضا به نحوی حیرت انگیز طبیعی هستند و آشنا. همه عناصر به درستی در مکان خود جای گرفته اند، و هریک به درستی نوای خود را سر داده و در هم آوایی با دیگر نواها، خوانایی فضایی روستا را سبب می شوند.

۱۲. کثرت و وحدت (Unity and Plurality): تنوع فضاهای روستایی در عین سادگی و خلوص آنها، تفاوت‌های فضاهای با یکدیگر را به نمایش می‌گذارند، هر فضا خود جهانی کوچک می‌شود. این جهان کوچک خود را در تعامل چند سویه با دیگر جهان‌های پیرامون می‌گذارد، هر واحد مسکونی با واحدهای دیگر، هر محله با دیگر محله‌ها، هر فضایی با دیگر فضاهای این تعامل عملاً کلی یکپارچه به نام روستا را می‌سازد. کلی واحد در عین کثرتی فراوان.



استان یزد، روستای فهرج.



استان یزد، روستای اسلامیه.

۱۳. چشم انداز بصری (Visual Scape): ارزش دیداری و چشم انداز طبیعی - مصنوع سازمان کالبدی فضایی روستا نه فقط از استقرار بافت و کالبد روستا در پهنه طبیعت حاصل می‌آید بلکه از ترکیب موزون عناصر و جزئیات این سازمان فضایی با یکدیگر و با طبیعت شکل می‌گیرد و زمینه چشم نوازی دید انسانی فراهم می‌شود. مصالح به ظاهر ساده و پیش پا افتاده که در سراسر طبیعت پیرامونی وجود دارد با غریزه روستایی با یکدیگر ترکیب می‌شوند و در ترکیب با آب، گیاه، زمین و آسمان چشم اندازی دلنشیں را رقم می‌زنند.

۱۴. هویت و شخصیت (Identity and Character): شباهتهای ظاهری روستاهای در هر منطقه‌ای به آن‌ها هویتی کلی می‌بخشد، هویتی خاص که با دیگر مناطق قابل مقایسه نیست و با این وجود هر روستا با بروز ویژگی‌های کالبدی فضایی خویش و چگونگی ترکیب با محیط‌های چندگانه‌ای که موجود آن هستند، ویژگی‌هایی را عرضه می‌دارد که شخصیت روستا را می‌سازند. درک هویت عمومی سرزمین از سویی و بازشناسنده ویژگی‌های هر روستا، پایه هرگونه اقدامی در سازماندهی مجدد فضای روستایی است.



استان کرمانشاه، روستای اورامان تخت.



استان یزد، روستای فهرج.

۱۶. کنش و اندرکنش (Action and Interaction): روستا در تعامل دائمی با نیروهایی است که از محیط‌های انسانی و طبیعی بدان وارد می‌شود، این نیروها گاه همسو و گاه در مقابل سازمان فضایی کالبدی را تحت تأثیر مستقیم خود قرار می‌دهند، فضای روستایی در هماهنگی با این نیروها، برآیند آن‌ها را در چرخه تولید و بازتولید خود قرار می‌دهد و از همین سبب دگرگونی فضایی خود را همزمان به انجام می‌رساند، امری که در زمان می‌تواند به دگردیسی بافت و ساخت روستایی منجر شود.



استان یزد، روستای فهرج.

۱۵. انعطاف پذیری (Flexibility): نرمش و آرامش بافت و ساخت روستایی، رشد تدریجی و موزون آن، سازمندی و سازگاری آن با محیط پیرامونی و تنوع و توازن فضاهای آن سبب می‌شود که این بافت و ساخت از انعطافی حیرت انگیز برخوردار شود و توانایی مضاعف برای گسترش و ترکیب‌های فضایی سازه را داشته باشد. ترکیب نرم و موزون بافت و ساخت روستا با طبیعت پیرامون و استقرار شایسته و بایسته آن با این طبیعت نشان از انعطاف پذیری سازمان فضایی کالبدی روستا دارد.

یادداشت‌ها

1. Exogenous
2. Endogenous
3. Top-Down
4. Bottom-Up
5. Territory
6. Diversity
7. Local Actors
8. Passive Participation
9. Participation in Information Giving
10. Participation by Consultation
11. Functional Participation



استان هرمزگان، روستای لافت.

منابع

6. Pretty, J.N. (1994). Alternative Systems of Inquiry for a Sustainable Agriculture. IDS Bulletin. 25(2): 39-48
7. Satendra & Sharma (2004). Sustainable Rural Development for Disaster Mitigation. New Delhi: Ashok Kumar Mittal
8. Seetharam, M. (1990). Citizen Participation in Rural Development. New Delhi: Ashok Kumar Mittal
9. South Africa Government. (2000). the Integrated Sustainable Rural Development Strategies. Retrieved from
<http://info.gov.za/otherdocs/2000/isrds.pdf>
10. United Nations Development Programs. (2002). Rural Development in Kazakhstan: Challenges and Prospects. Almaty: UNDP
11. Interactive Participation
12. Self-Mobilization
13. Social Capital
14. Capacity Building
15. Shorthall
16. Shucksmith
17. Mannion

1. Biggs, S. D. (1989). Resource- Poor Farmer Participation in Research: A synthesis of experiences from nine agriculture research systems. OFCOR comparative study paper. No.3. The Hugue: ISNHR

2. Leeuwis, C. (2000). Reconceptualizing Participation for Sustainable Rural Development: Towards a negotiation approach. Retrieved from www.utsc.utoronto.ca/~kmacd/IDSC10/Readings/Readings/.../negotiation.pdf

3. Lowe, P., & Ray, C., & Ward, N., & Wood, D., & Woodward, R. (1991). Participation in Rural Development: A review of European experience. Centre for Rural Economy Working paper series. Volume 34. European foundation for the improvement of living and working condition

4. Mannion, J. (1996). Partnership, Participation and Capacity-Building: Rural Development Based on Local Bottom-up Strategies. LEEDER Magazine. No. 12. Published at
<http://rural-europe.aeid.be/rural-en/biblio/defis/art02/html>

5. Paul, S. (1986). Community Participation in Development Projects. The World Bank Experience, Paper presented at economic development institute workshop on community participation. Washington